

همشهری

حافظ
چه ساز بود که در برده می زد آن مطرب
که رفت عمر و هنوزم دماغ بر ز هواست

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سرمدیر: دانیال معمار
مدیر تحریریه: مهدی علیپور
معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، علی عمادی
شاهین امین، حامد فوقانی
مدیر فنی: حامد یزدانی
مدیر هنری: مهدی سلامی
مدیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک: مدیر حسین ارجلو
شهرنگار: مدیر پروانه بهرام‌نژاد، مدیر مریم باقرپور
اقتصاد: مدیر محسن امین، مدیر مریم موسی‌پور
تماشگران: مدیر امیر محمد یعقوب‌پور، مدیر لیلی فرسند

ایرانشهر: مدیر زهرا عباسی
تندرستی: مدیر عیسی محمدی
مدیر مریم سرخوش
سرخ: مدیر جواد عزیز
مدیر جواد جعفری
دانشگاه: مدیر ساسان شادمان، مدیر زهرا خلجی
سرزمین من: مدیر محمد باریکانی
فرهنگ شهر: مدیر زهرا بهیمه طباطبائی
گزارش: مدیر سید سعید میر
۳۴ (سیمنا و تلویزیون): مدیر سعید مروی
مدیر علیرضا محمودی
صفحه آخر: مدیر جواد نصرتی
طرح و گرافیک: مدیر محمد علی طلیعی

محرم نامه

قطره‌ای از دریای بیکران حسین (ع)



حامد فوقانی

بایت «بایی آنت و اُمی یا حسین، به فدای لب عطشان حسین» که دم می گرفتند، یک کاسه آب به دست میاندار تکیه می دادند. حاج مرتضی، یک دستش را به سر می گوید و دست دیگرش را درون کاسه استیل کرده و آب را روی سینه‌ها می پاشد. قطره قطره‌های آب معنا پیدا می کردند. عاشقانی منتظر بودند تا نوری که از گنبد شیشه‌ای تکیه به درون صحن می تابد، در قطره‌ها بشکند و با شکست دل‌شان، همنا شود.

واقعیت، در دل خیلی‌ها برای رسیدن روز عاشورا غوغایی به پا می‌شود. از یک طرف شب قیلش باید فریاد سر دهی که «مکن ای صبح طلوع» و از طرف دیگر، منتظری تا با نوای «ای وای کشته شد حسین» باطن خود را زیر پرچم مظلومیت و گشاده‌دستی شهید کریلا، شست و شو دهی و چه کسی بالاتر از حسین (ع) و باب‌الحوایج می‌تواند پاسخ در ماندگان را بدهد؛ «چنگ دل آهنگ دلکش می‌زند، ناله عشق است و آتش می‌زند/ قاصد دل دلکش است و ماندنی‌ست، تا بدین عشق و این دل ماندنی‌ست/ مرکز درد است و کانون شورا شعله‌ساز و شعله سوز و شعله کار» به قول حاج مرتضی، «ما چیزی از خودمان نداریم، پس دعا می‌کنیم که خداوند فرصت بهره‌ای را به ما عطا کند تا در آن فرصت ما هم منتظریم که از فضیلت عاشورا استفاده کنیم و هم در انتظاریم که امام حسین (ع) ما را در لحظه مرگ چقدر تحویل می‌گیرد»

او همچنان که فریاد العطش سر می‌داد، فریاد حلقه‌های سینه‌ها را طاقش بالاتر می‌گرفت، هر کسی سعی می‌کرد خودش را در میان حلقه‌های نزدیک تر به میاندار جای دهد. یکی می‌گفت سینه‌ها دارد از حال می‌رود، اما همچنان بود که گویی همین الان عاشورا آغاز شده و سینه‌ها باز هم عطش مددی از سوی اربابش حسین (ع) را داشت. چندساله می‌شود که نه حاج مرتضی در آن حلقه هست و نه خیلی از سینه‌ها و ریش سفیدان تکیه. هر ساله پس از نماز ظهر عاشورا برای او و دیگرانی که تلاش کرده‌اند تا این دم و دستگاه، پر شور باقی بمانند دعا می‌کنند که آن شامانه با سیدالشهدا محصور شوند و البته ما نیز قطره‌ای از دریای بیکران امام حسین (ع) و باران بی‌همتایش باشیم. تا سوغا و عاشورا نیز فرا رسد و فرصت برای بهره‌مندی از این دریای اندک است.

حسین

قاب حسینی

منبر با صفای عزا

حمیدرضا محمدی

عکاس عکس بر ما مبرهن نیست. تنها می‌دانیم نمایی است از برگزاری مراسم عزاداری حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع)، در یکی از مساجد یکی از روستاهای اطراف شهر قم. مسجدی کوچک و خودمانی اما با صفا و صمیمیتی که در آن روزگار می‌شد بیشتر از آن سراغ گرفت و در گوشه‌و کنار و این طرف و آن طرف یافت. روحانی جوانی بر منبر ذکر مصیبت می‌گوید و قاب عکس بالای سرش، به نظر می‌رسد آیت‌الله‌العظمی بروجردی باشد. در نتیجه، چون ایشان در دهم فروردین ۱۳۴۰ رحلت

کرد، و با وجود میکروفون در مقابل واعظ، باید برای تشخیص زمان احتمالی تصویر، تا حدود اواخر دهه ۲۰ و دهه ۳۰ عقب رفت. از خلوتی، معلوم است که مسجدی روستایی است و بازیر اندازهایی از همان خطه، مفروش شده است. ستون‌ها را کتبیبه پوش کرده‌اند و از آن جالب تر چراغ‌هایی است که در دوسوی عکس خودنمایی می‌کنند. مردان دور تادور نشسته، هنوز و همچنان، همان کلاه‌های مالوف روزگار قاچار را بر سر دارند اما گویا مراسم نبوده تا پیراهن سیاه و رخت عزا، چنان که اکنون برقرار است، بر تن کنند.



از خلوتی، معلوم است که مسجدی روستایی است و بازیر اندازهایی از همان خطه، مفروش شده است

اسب باستانی دوباره زنده شد

استفاده شد تا این نواحی ترمیم شوند. هیچ کس دقیقاً نمی‌داند که این اسب چرا اینجا کشیده شده است؛ دانشمندان گمان می‌کنند که این نقاشی عظیم ممکن است نماد یک قبیله یا نشانه‌ای برای تعیین قلمرو مردمان ساکن این منطقه بوده باشد.



باستان‌شناسان در انگلیس، یک اسب عظیم چند هزار ساله را که رو به موت بود، احیا کرده‌اند. این اسب البته در واقع تصویری بزرگ از یک اسب است که انسان‌های عصر برنز روی یک تپه کشیده‌اند. این تصویر گچی، گفته می‌شود قدیمی‌ترین از این نوع در انگلیس است؛ ۱۱۰ متر طول دارد و نقاشی گچی بزرگی به شمار می‌رود. «اسب سفید آفینگتون» که ۴ هزار سال پیش کشیده شده، در طول زمان دچار اضمحلال شده و بخشی‌هایی از سر و گردن آن، در حال نابودی بودند. دلیل آن هم فرسایش و ریزش خاک و رویش علف‌ها و گیاه‌ها در این نواحی بود. سال گذشته، در نهایت باستان‌شناسان تصمیم گرفتند که کار مرمت آن را شروع کنند. نخستین کار، چیدن گیاهان خودروی اضافی در محل کشیده شدن گچ‌ها بود. در قدم بعدی، از مقدار زیادی گچ

خوش خبر

به عشق حسین (ع) ببخش



عشق به حسین (ع) چه معجزه‌ها که نمی‌کند، دل‌ها را توف می‌شود و این روزها، حال دل آدم‌ها به احسن‌الحال نزدیک می‌شود. پیام محرم جز اینکه درس بزرگ بندگی است، درس بخشش و گذشت می‌دهد به عاشقان حسین (ع) و به همین بهانه است که امسال هم همزمان با آغاز ماه دلدادگی به اباعبدالله (ع)، پوش به عشق حسین (ع) می‌بخشم توسط ستاد ملی صبر آغاز شده و از ابتدای محرم تا ربیع‌حسینی ادامه دارد. کسب رضایت بر نونده‌های قصاص رویگرد این پوش است. همین دپروز خبر رسید که نخستین خانواده در شهر سمنان با پیوستن به پوش «به عشق حسین (ع) می‌بخشم» از قصاص گذشتند و رضایت قطعی خود را مبنی بر عدم اجرای حکم اعلام کردند. به گفته مدیر کل توسعه صلح و سازش مرکز حل اختلاف قوه قضاییه «به عشق حضرت زهرا (س)»، «به احترام امام زهرا (ع)»، «به حرمت حضرت علی (ع)» و «به عشق امام حسین (ع)» پوش‌هایی است که هر سال برگزار می‌شود و بسیاری از محکومان به قصاص با گذشت اولیای دم از چوبه‌دار رهای می‌شوند. به‌طور مثال در سال گذشته ۷۹۰ محکوم به قصاص با همین پوش‌ها و تلاش صلح‌پاران و به واسطه عشق و ارادت مردم ایران به اهل بیت بخشیده شدند تا دوباره فرصت خوب زیستن را تجربه کنند.

آزادی به حرمت سیدالشهدا (ع)



فقط کافی است نامش به میان بیاید آن وقت است که گره‌های کور و زمخت زندگی مثل موم توی دستانت باز می‌شوند، حتی گره چندین و چندساله زندانیانی که سال‌ها زندگی زیر سایه حبس را تجربه کرده‌اند. زندانیانی که تمام امیدشان به محرم است که از بلندگو نامشان را میان لیست آزادی‌ها صدا بزنند و بگویند به حرمت نام اباعبدالله علیه‌السلام آزادی، تا از آن چار دیواری بیرون بیایند و حر حسین علیه‌السلام بشوند. محرم امسال هم از همان روزهای اول بندهای زیادی از زندان‌ها را خالی کرد. هیات‌ها و زندان‌های حسین یزد در راستای پوش «هر هیأت، آزادی یک زندانی»، ۱۰۰ میلیون تومان را برای آزادی زندانیان جرائم غیر عمد اهدا کردند و باعث رهایی ۳ نفر شدند. یکی از خیرین استان تهران نیز با شرط عدم‌اعلام نامش و با توسل به نام سیدالشهدا (ع) دهی ۱۳ نفر زندانی مرد و ۲ نفر زندانی زن بدگاهار را پرداخت کرد. در آغازین روزهای ماه عزای سیدوسالار شهیدان، ۳ زندانی محکوم مالی مراغه با کمک خیران آزاد شدند و به آغوش گرم خانواده‌هایشان برگشتند.

عکس خانه

پزشک خوش خط

معروف است که دست خط دکترها را هیچ‌کسی به جز خودشان و نسخه‌خوان داروخانه نمی‌تواند بخواند و بدخطی پزشکان زیان‌زا است. اما یک پزشک مصری این قاعده را دور زده و دست خط زیبایش این روزها در فضای مجازی حسابی پر باز دید شده است. در نسخه‌ای که این پزشک نوشته خبری از خط‌های کج و معوج و درهمی که ما می‌بینیم بر ایمان هیچ مفهومی ندارد، اما احتمالاً نام یک قرص، آمپول یا شربت نوشته شده، نیست و این پزشک یک قطره چشم را با خطی زیبا و خلاقانه تجویز کرده است.



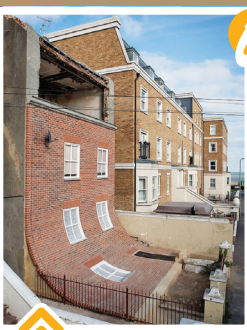
خبر بی حساب و کتاب

امورات زندگی‌اش از همین راه می‌گذرد؛ از اینکه لباس مردم را در آن خشکشویی نقلی‌اش نوباز کند و به دست‌شان بدهد، شغل دیگری ندارد که بگویی اگر شستن و اتو کشی لباس‌ها را رایگان کند خروج و متخرج زندگی‌اش را برای می‌تواند بدهد. اما برای روزی، چرتکه‌دنیایی و حساب و کتاب روی کاغذ برخی از ما اهل دنیا نیست، خوب می‌داند یک قرانش را چطور دوزار کند اما فقط با یک اسم آن هم به برکت نام حسین علیه‌السلام، صحبت از صاحب یک خشکشویی کوچک در تهران است که نام و نشان را نمی‌دانیم اما آوازه کار خوب و خویش به ما رسیده است. او این روزها به احترام محرم شست‌وشوی لباس مشکلی عزاداران سیدالشهدا (ع) را رایگان انجام می‌دهد.

فاطمه عباسی

معماری عجیب آقای چینگ

خلق کرده و به خاطر استفاده از فرم‌های نامتعارف در طراحی‌های خود شهرت دارد. او با ترکیب مواد غیر متعارف و فرم‌های پیچیده، ساختمان‌هایی را خلق کرده است که به نظر می‌رسد تخیلی دور از واقعیت هستند. بیشتر آثار اولیه چینگ در لندن به نمایش در آمده و روزنامه گاردین به او لقب «استاد توهمات معماری» داده است.



در اثر موسوم به «از زانوهای بینی من تا شکم انگشتم» او تومی ایجاد کرده که نمای یک خانه به‌طور کامل به داخل باغ سر خورده است.

یکی از چیدمان‌های معروف چینگ «خودت را جمع کن و سفت نگه دار» است؛ یک خودرو که به‌صورت وارونه در پارکینگ مرکز ساوت بانک به نمایش گذاشته شده است.

در سال ۲۰۱۵، چینگ مأمور شد یکی از پروژه‌های شاخص جشنواره طراحی لندن در شبه جزیره گرینویچ را ایجاد کند. اثری که چینگ خلق کرد یک دکل برق وارونه به ارتفاع ۲۷ متر بود.

در نمونه‌های تازه‌تر آثارش با عنوان یکسری صندوق‌های بست قرمز را کرده است.

در اثری با عنوان «زیر هوا اما بالای ماه»، چینگ یک ملک تجاری در جاده بلک فرایرز را به گونه‌ای طراحی کرده که انگار کاملاً وارونه شده است.

مزایده شماره ۲/۱۴۰۳

فروش اقلام مازاد

یک شرکت پیمانکاری در نظر دارد تعدادی از ماشین‌آلات سبک، سنگین و تجهیزات مازاد خود را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.

تاریخ فروش اسناد مزایده: ۱۴۰۳/۰۴/۱۶ لغایت ۱۴۰۳/۰۴/۳۰

آخرین مهلت ارائه پیشنهادات: تا ۱۴۰۳/۰۴/۳۰ رأس ساعت ۱۷:۰۰

تاریخ بازگشایی پاکات: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰ رأس ساعت ۱۴:۰۰

محل فروش اسناد مزایده: تهران، خیابان فلسطين شمالي، كوچه شهيد عتيقي نژاد (رهبان سابق)، شماره ۲۰، طبقه چهارم

متقاضیان می‌توانند ضمن تماس با شماره همراه ۰۹۹۱۶۴۱۲۶۷۸، در تاریخ‌های ذکر شده (به جز تعطیلات رسمی) با مراجعه به نشانی فوق‌الذکر در ساعات اداری (۸:۰۰ الی ۱۶:۰۰) به منظور دریافت اسناد مزایده، با پرداخت مبلغ یک میلیون ریال وجه نقد (شرکت فاقد کارت‌خوان می‌باشد) نسبت به خرید اسناد مزایده اقدام نمایند.